آینه

جمهوری اسلامی

سرمقاله: «آفات اقتصادی محبوبیت‌سازی سیاسی»

بـا روی کار آمدن دولت یازدهم، موج ضرورت افزایش قیمت‌ها به خود دولت رسـیده است. واقعیت آن است که در پی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، قیمت تمام‌شـده بسیاری از کالاها و خدمات برای دولت هم به‌شدت افزایش یافته... مرور این رویه به خوبی روشن می‌کند که تصمیماتی نادرست، غیرکارشناسانه و ناظر بر محبوبیت‌سازی سیاسی از طـرف عده‌ای خاص در سـال‌های قبل، چگونه در یک دوره زمانی طولانی، اقتصاد کشور و معیشت عده زیادی از مردم را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و به عاملی برای تحت فشار قرارگرفتن همان مردمی می‌شـود که تصمیمات نادرست و به ظاهر شـیرین برای آنان اتخاذ شده بود. سوال اکنون اینجاسـت که آیا تصمیم‌گیرندگان آن روز حاضر هستند امروز هم مسـوولیت آن تصمیمات را برعهده بگیرند و به جای انتقاد از دولت فعلی بابت افزایش قیمت‌ها، صادقانه به مردم بگویند که شرایط امروز، محصول ناپخته عمل‌کردن آن روز آنهاست؟!

اعتماد

یادداشت: «یک راه»؛ احمد شیرزاد

اظهـارات دکتـر فرجی‌دانـا، وزیر پیشـنهادی علوم، نشـان‌دهنده حرکت ایشـان در همان مسـیر مشـی و مرام دکتر توفیقی اسـت... ستاره‌دارشـدن دانشجویان و بازنشستگی اسـتادان دانشگاه‌ها، از جمله معضلاتی است که نمی‌توان به سـادگی از کنار آنهـا عبور کرد. حق‌هایی تضییع شده است که حتما باید بازگردانده شود. در همین دوره کوتاه‌مدت از سرپرستی دکتر توفیقی بر این وزارتخانه، اقدامات چشمگیری صورت گرفت و طبیعتا این فرآیند نیاز به تداوم دارد و باید از حق دانشجویان و استادانی که به هر صورت مورد ظلم واقع شده‌اند، دفاع شود... روسای منصوب در دولت قبلی هنوز بر مسـند ریاسـت نشسته‌اند و دکتر توفیقی نیز به‌عنوان سرپرست، خیلی نمی‌توانستند دست به تغییرات عمده‌ای بزنند... انتصابات و برگرداندن برنامه کاری به روال معمول از جمله مدیریت و جذب هیات علمی باید در اولویت کاری ایشان قرار بگیرد. مدیریتی که با یک نگاه تنگ‌نظرانه سیاسی نباشد و همه را بتواند در خود جای دهد.

ایران

یادداشت: «محدودیت‌های غیرضرور»؛ محمدعلی نجفی

قلیان‌کشـیدن هم ممکن است از نگاه ما ناپسند باشد و نباید آن را ترویج و گسـترش داد، اما نمی‌توان آن را در ردیف جرایم تعریف کرد و با مردمی که قلیان می‌کشـند یا با مراکزی که قلیـان ارایه می‌کنند، چنان برخورد کرد که گویی مجرم هسـتند... بحث درباره قلیان‌کشیدن نیز بحث بین بد و بدتر اسـت. عـده‌ای خیال می‌کنند با منع و ایجاد محدودیت برای پدیده‌ای مثل قلیان یا پدیده‌های دیگری از این سـنخ، همه چیز درست می‌شود. اما تجربه نشـان داده است که چنین نیست... در ظاهر ممکن است بتوانیم قلیان را از اماکن عمومی تحت‌نظارت جمع کنیم، اما در واقع آن را به جای دیگری برده‌ایم، به جایی غیرقابل کنترل‌تر و پنهان‌تر که ممکن است با چیزهای دیگری هم گره بخورد که متأسـفانه گره خورده است... مگر این زیان برای زنان و مردان متفاوت است؟ حتی اگر توجیه‌ها و دلایل دیگری هم وجود داشـته باشد، راهش تاکیدکردن بر این تبعیض نیست. این تاکید نتیجه عکس می‌دهد و زنانی را که ممکن است هیچ علاقه‌ای به این کار نداشته باشند را نیز به واکنش وا دارد... رستوران‌ها، کافه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و مراکزی با شرایط و امکانات خاص باید وجود داشته باشند که در آن قلیان ارایه شود و مراکز عاری از قلیان نیز باید وجود داشته باشند و مردم حق دارند که کدام را انتخاب کنند.

آب یعنی زندگی
نوبت سوم
وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب روستایی استان هرمزگان
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

۱: نام دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت آب و فاضلاب روستایی استان هرمزگان
۲: آدرس مناقصه‌گزار: بندرعباس - بلوار امام حسین (ع) جنب اداره استاندارد- شرکت آب و فاضلاب روستایی استان هرمزگان
۳: موضوع مناقصه: طرح سـرمایه‌گذاری ، سـاخت ، اجرا ، راه‌انـدازی ،تولید و تحویل آب شـرب شـیرین‌کن با ظرفیت ۲۵۰۰ متر مکعب در شـبانه‌روز جهت روستای بونجی شهرستان جاسک با فن‌آوری RO به روش قرارداد B.O.O
۴: دستگاه نظارت: معاونت طرح و توسعه دستگاه مناقصه‌گزار
۵: نوع تضمین شرکت در مناقصه: ارائه ضمانتنامه معتبر بانکی یا واریز وجه نقد به حساب شماره ۲۱۷۵۲۱۵۴۳۳۰۰۹ بانک ملی ایران شعبه گلشهر بندرعباس به‌نام دستگاه مناقصه
۶: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۷: قیمت اسناد مناقصه و شماره حساب: واریز مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سپهر شماره ۲۱۹۵۲۱۵۴۹۱۰۰۵ بانک صادرات شعبه سه‌راه آزادگان بندرعباس
۸: مهلت فروش اسناد مناقصه: ۹۲/۸/۴ لغایت ۹۲/۸/۱۳
۹: محل دریافت اسناد مناقصه: اداره امور حقوقی و قراردادها و رسیدگی به شکایات
۱۰: محل و مهلت تحویل پیشنهادات: دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب روستایی استان هرمزگان- مورخ ۹۲/۸/۲۵ پایان ساعت اداری
۱۱: مکان بازگشایی پیشنهادات: سالن کنفرانس شرکت آب و فاضلاب روستایی هرمزگان
۱۲: تاریخ بازگشایی پیشنهادات: ۹۲/۸/۲۶ ساعت ۹ صبح
۱۳: سایر جزئیات و شرایط در اسناد مناقصه درج شده است.
۱۴: آگهی فوق در پاسگاه اطلاع‌رسانی مناقصات و مزایده شرکت مهندسی آبفای کشور به آدرس tender.nww.co.ir- Iets.mporg.ir درج خواهد شد.
۱۵: جهت اطلاع بیشتر می‌توانید به سایت شرکت به آدرس www.abfarhor.ir مراجعه نمائید.
۱۶: کلیه هزینه‌های درج آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

تذکر: به پیشـنهادهای فاقد سپرده ، سپرده مخدوش ،سپرده کمتر از میزان مقرر چک شخصی و نظایر آن و یا فاقد امضاء ، مشروط ، مخدوش و پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر ارسال شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. داشتن شماره اقتصادی و شناسه ملی و رعایت الزامات ایمنی توسط کلیه مناقصه گران الزامی است.

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان هرمزگان

سولیوان (نفر وسط)در کنار هنری کیسنجر (سمت چپ)عکس: washangtonpost

مرگ آخرین سفیر

ویلیام سولیوان درگذشت

زینب اسماعیلی

خبر یک خط است: «ویلیام هیلی‌سولیوان» آخرین سفیر آمریکا در ایران درگذشـت. این خبر برای سفیر سابق هر کشوری در یک سـرزمین دور نیز همین‌قدر کوتاه است. اما یک صفت این خبر را متمایز می‌کند؛ او آخرین سـفیر آمریکا در ایران است. بعد از سولیوان روابط ایران و آمریکا با تسخیر سفارت واشنگتن در تهران روبه‌تیرگی رفت و نه دولت انقلاب و نه دولت‌های بعد تمایل جدی برای کاهش تنش در رابطه دو کشور نشان ندادند.

«ویلیـام هیلی‌سـولیوان» william hely sulivan آخرین سـفیر آمریکا در ایران، سـال ۱۹۲۲ در رودآیلند متولد شـد. او پس از کسـب تحصیلات دانشگاهی راهی دانشکده دیپلماتیک شد. در جنگ جهانی دوم به استخدام نیروی دریایی آمریکا درآمد و با درجه افسری در جنگ‌های خاور دور شرکت کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم وارد وزارت خارجه آمریکا شـد و در جریان جنگ کره به‌عنوان مشاور سیاسی ژنرال «مک‌آرتور» در دفتر او خدمت می‌کرد. او پـس از انجـام ماموریت‌هـای مختلف در خـاوردور به سمت سـفیر آمریکا در لائوس و فیلیپین منصوب شد و در جریان این ماموریت‌ها از مشاوران نزدیک «کیسینجر» وزیر خارجه پیشـین آمریکا در مذاکرات صلح ویتنام بود. سـولیوان پیش از اینکه به‌عنوان سـفیر آمریکا در تهران انتخاب شود، هیچ‌گاه تجربه کار با ایران و حتی یک کشور اسلامی را نداشت. نزدیک‌ترین ماموریت او به تهران، کلکته، آن هم حدود ۳۰سال قبل بود. سولیوان دیپلماتی بود که خودش می‌گفت اطلاعات دقیقی نسبت به ایران نداشت و مایـل به پذیرفتن این ماموریت نیز نبود. او هنگام ورود به تهران ۵۶ساله بود، او که روز ۲۰فروردین ۱۳۵۶ به سمت سـفارت آمریکا در ایران تعیین شـده بود قبل از ورود به ایران، دیداری توضیحی- تشـریحی با «سـایروس ونس» وزیر امور خارجه وقت آمریکا داشـت. سـولیوان در مورد آن دیدار چنین می‌نویسـد: «در نخستین ملاقات با ونس از وی پرسـیدم که دلیل انتخاب من برای پسـت سفارت در کشوری که هیچ‌گونه تجربه و سابقه‌ای درباره آن ندارم چه بوده اسـت؟ وزیر خارجه در پاسخ گفت: علت انتخاب من- سولیوان- به این سمت این بوده است که برای پست سـفارت ایران در جسـت و جوی دیپلماتی بوده‌اند که در کشـورهایی که با حکومت‌های متمرکز و استبدادی اداره می‌شوند تجربه کافی داشته و بتواند با یک زمامدار مقتدر و خودکامه کار کند.» سولیوان سفیر جدید آمریکا در ایران طبق یک رسـم معمول قبل از آمدن خـود به محل تازه ماموریت، به ملاقات با کارتر فراخوانده شد. وی در این مورد نیز می‌نویسد: «کارتر در صحبت خود بر اهمیت استراتژیک ایـران به‌عنوان متحد قابل اعتماد برای آمریکا تاکید کرد. کارتر همچنین اهمیت ایـران را به‌عنوان یک عامل ثبات برای امنیت منطقه حساس خلیج‌فارس مورد تاکید مجدد قرار داد و در خاتمه موضوع قیمت نفت و سایر مسایل مورد علاقه بین ایران و آمریکا را متذکر شد.» هنگام ورود سولیوان به تهران سفارت آمریکا در تهران فعالیت وسیع و پردامنه‌ای داشـت. تعداد کارکنان سـفارت به اضافه ماموران که در قسـمت نظامی کار می‌کردند بالغ بر دوهزارنفر بود که با اعضای خانواده‌هایشان به پنج‌هزارنفر می‌رسیدند. سولیوان یکی از باسابقه‌ترین و پرکارترین کارمندان دستگاه سیاست خارجی به حساب می‌آمد. طبق دستوراتی که به وی داده شده بود بایستی تمام وقایع و جزییات اتفاقات سیاسی ایران را از نزدیک زیر نظر داشـته به واشـنگتن گزارش می‌داد. با شدت‌گرفتن حرکت انقلاب ایران و برای پایان‌بخشیدن به آن سولیوان طرحی پیشنهاد کرد مبنی بر کنارگذاشتن شـاه و روی کارآوردن میانه‌روها، ولی با مخالفت واشنگتن روبه‌رو شـد. او در این رابطه می‌گوید: «اگر به پیشنهاد من توجه می‌شـد و امکان انتقال آرام و بدون خونریزی قدرت فراهم می‌شـد به منافع آمریکا در ایران لطمه زیادی وارد نمی‌آمد... ما باید بـرای حفظ منافع خود با انقلاب همراه شـویم و خود را با شـرایط تـازه تطبیق دهیـم.» بهمن ۱۳۵۷/ فوریه ۱۹۷۹ سـفارت آمریکا برای مدت کوتاهی اشـغال شـد و پس از دخالـت ابراهیم‌یـزدی (وزیر امور خارجه دولت موقت) قضیه منتفی شد. با اوج‌گیری انقلاب و پیش‌بینی خطرات احتمالی، سولیوان ۳۳دیپلمات اسراییلی را با کلیه اتباع آمریکایی از ایران خارج کرد و همچنین بسیاری از اسناد طبقه‌بندی‌شده سفارت را بسته‌بندی کرده به واشنگتن ارسـال کرد. اندکی بعد از پیروزی انقلاب و پیش از تسخیر لانه جاسوسـی آمریـکا (آوریل ۱۹۷۹) سـولیوان به آمریکا فراخوانده شد. وی پس از بازگشت به آمریکا به علت اختلاف نظر با کارتر و مشاور امنیت ملی او برژینسکی بازنشسته شد و پیشـنهاد ریاست مجمع آمریکایی (یک سازمان مطالعاتی وابسته به دانشگاه کلمبیا) را پذیرفت. سولیوان پس از پایان ماموریت خود در کتابی به نام «ماموریت در ایران» به حقایقی از اوضاع سیاسی ایران در عصر پهلوی، دخالت‌های آمریکا در ایران، وابسـتگی و چاپلوسی بسیاری از مقامات دولتی شاه و اختناق سیاسی و اجتماعی ایران در دوران حکومت محمدرضا پهلوی اشـاره می‌کند. به نوشـته «واشنگتن پست»، «ویلیام هیلی سولیوان» آخرین سـفیر آمریکا در ایران، ۱۱اکتبر در سن ۹۰سالگی در یک مرکز توانبخشی درگذشت. او از خرداد ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷ سفیر آمریکا در تهران و البته آخرین سفیر آمریکا در تهران بود.

روایت ابراهیم یزدی از مذاکرات انقلابیون با سولیوان سفیر آمریکا:

دولت موقت به سولیوان پذیرش نداد

عکس: آبدین رهبر، شرق

دکتر ابراهیـم یزدی، دبیرکل نهضـت آزادی ایران و وزیر خارجه در دولت موقت به‌واسـطه سمت و کارش، با آخرین سفیر آمریکا در ایران، در اولین‌بار تسخیر سفارت برخورد داشـته. اما «ویلیام سـولیوان» اندکی بعد ایران را ترک می‌کند. از زمان استقرار انقلابیون در نوفل‌لوشاتو نیز ابراهیم یـزدی، با موضوع مذاکره و گفت‌وگو با طرف‌های آمریکایی مواجه بوده که می‌توانست اطلاعات خوبی برای گروه انقلابیون فراهم کند.

او پس از پیـروزی انقلاب به‌همراه امام‌خمینی(ره) به ایران بازگشت. او مدتی عضو شورای انقلاب اسلامی ایران و «معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب» و سرپرست موسسه کیهان بود و پس از استعفای کریم سنجابی از وزارت امور خارجه ایـران، به‌عنوان «وزیر امـور خارجه دولت موقت انقلاب» معرفی شد. در این مصاحبه از رابطه «سولیوان» و شاه و نهضت آزادی و دولت موقت انقلاب با دکتر ابراهیم یزدی، صحبت کردیم.

اولین دیدار شـما با آقای سـولیوان به چه زمانی برمی‌گردد؟

دو روز بعـد از پیروزی انقلاب اسـلامی ایران، گروهی به سفارت آمریکا حمله کردند. هنگامی که به دستور امام خمینی و مهندس بازرگان بـرای بیرون‌راندن مهاجمان به سـفارت آمریـکا رفتم و در بیرون‌رانـدن مهاجمان موفق شدم به درخواسـت من تمام اعضای سفارت آمریکا در سالن مرکزی سـفارت جمع شدند. آقای سولیوان هم در جمع آنها بود و برای اولین‌بار و آخرین‌بار ایشان را آنجا دیدم.

در آن روز گفت‌وگویی بین شما صورت گرفت؟

نـه آن روز دیالوگـی بین ما ردوبدل نشـد. من از طرف رهبر انقلاب و نخسـت‌وزیر به آنجا اعزام شده بودم و به‌عنوان نماینده سیاسـی دولت از آنها بابت اتفاقی کـه رخ داده بود، عذرخواهـی کردم. چون طبق معاهـدات بین‌المللـی دولت میزبان مسـوول حفظ امنیت اعضای سفارتخانه‌هاست.

سولیوان چقدر بعد از این اتفاق از ایران رفت؟

درسـت خاطرم نیست. اما فکر می‌کنم که اواخر اسـفند همان سال از ایران رفت.

رابطه آقای سولیوان پیش از انقلاب با دولت شـاه چگونه بـود؟ به‌ویژه آنکه شـاه در آن مقطع از نامزد جمهوریخواهان در انتخابـات آمریـکا حمایت کـرده بـود. در برخـی منابـع نوشته شده اسـت که او نوعی نقش مشـاور برای شـاه را ایفا می‌کرده است

رابطـه ویژه‌ای میان دولت آمریـکا و به‌تبع آن سـفیر آن دولت، در ایران با شاه وجود داشت. اسناد و شواهد حاکی از این است که مشورت‌های دایمی بین شاه و مقامات آمریکا صورت می‌گرفت.

رابطه نزدیک سـولیوان با حکومت شاه در نگاه و نظر انقلابیون نسـبت به او تاثیر منفی نمی‌گذاشـت؟ به‌ویژه برای خود شما؟

در زمان پیروزی انقلاب، سولیوان سفیر آمریکا در ایران بود. دولت موقت به او آگریمان یا پذیرش نداده بود. به‌علاوه اینکه او حدود یک‌ماه بعد از پیروزی انقلاب از ایران رفت. سوابق او، به‌خصوص در ویتنام از نظر ما دور نبود.

آقـای سـولیوان در کتابش (ماموریـت در ایران) نوشـته اسـت که قبل از ورود امام بـه ایران با نهضت آزادی جهـت حفظ ارتش و یکپارچگی ایران، صحبت کرده است و قراردادهایی بسته‌اند. او نوشته که حتی نگـران این بوده که نظریات نهضـت آزادی با نظریات امام‌خمینی منطبق نباشـد. ماجرای ایـن قراردادها و صحبت‌ها چه بود؟ این ارتباط‌ها با چه فردی از نهضت آزادی انجام می‌گرفت؟ شخص مرحوم مهندس بازرگان یا اعضای دیگر؟

در ماه‌های آخر حکومت شـاه میان سولیوان و برخی دیگر از اعضای سفارت آمریکا با رهبران انقلاب در داخل ایران، از جمله نهضت آزادی ایران و شورای انقلاب تماس و گفت‌وگوهایی وجود داشته اسـت. اما قراردادی در کار نبود. آمریکایی‌ها اطلاعات درستی از نیروهای مخالف شاه نداشتند. شاه نیز نسبت به تماس آمریکایی‌ها با نیروهای مخالف سـخت بیمناک بود و آمریکایی‌ها هم نظر شـاه را رعایـت می‌کردند. به همین علـت، اطلاعات آمریکا از وضعیت ایران مبتنی بر گزارش‌های یکطرفه ساواک بود. سولیوان با این نوع گزارش‌های یکطرفه موافق نبود و برای فهم درسـت از وضعیت واقعی ایران تماس و گفت‌وگو با نیروهای مخالف شاه را لازم می‌دانست. علاوه بر تماس و گفت‌وگو با اعضای شورای انقلاب؛ آقایان آیت‌الله موسوی اردبیلـی و مهندس بازرگان، سـولیوان با مرحوم آیت‌الله بهشتی نیز جداگانه دیدار و گفت‌وگو داشته است.

او در همین کتاب از پیشـنهادش برای تعیین فرد دیگری به نمایندگی از آمریکا برای مذاکره با یاران امام در پاریس پیش از ورود به ایران نوشته که گویا عملی نشـده اسـت. موضوع این دیدارها چه بود؟ آیا موارد دیگری از تلاش آمریکا برای ارتباط با انقلابیون مستقر در پاریس وجود داشت؟

خیر، عملی شـد. در پاریس با ابراز علاقه و درخواست دولت آمریکا، نماینده‌ای از جانب سفارت آمریکا، پیام‌هایی برای رهبر فقیـد انقلاب می‌آورد و پاسـخ‌های آن را نیز دریافت می‌کرد. متن کامل ایـن پیام‌ها در کتاب «تاریخ ۲۵ساله ایران»، نوشته شـادروان سرهنگ «نجاتی» آمده است.

گویـا شـما نیز دیـداری با رییس دفتر سیاسـی آمریکا در فرانسـه در نوفل‌لوشـاتو داشتید، آن‌زمان اطـلاع داشـتید که این دیدار به پیشـنهاد سـفارت آمریکا در ایران انجام گرفته؟ سولیوان نوشته که این دیدارها چندان ثمربخش نبود، شما هم همینطور فکر می‌کردید؟

ممکن است آمریکایی‌ها آن دیدارها را از نظر خودشان ثمربخش ندانسـته باشـند اما به نظر من، برای رهبری انقلاب، مفید بوده است. زیرا مستقیما از دیدگاه‌های دولت آمریکا با اطلاع می‌شدند.

برای شما که به وزارت‌خارجه دولت موقت منصوب شـدید، مهم بود که سـفیر آمریکا در ایران را بیشتر بشناسـید؟ مثلا از تجارب قبلی او در ویتنام یا لائوس خبر داشتید؟

هنگامی که من به وزارت امورخارجه رفتم، سولیوان ایران را ترک کرده بود و دولت آمریکا آقای کاتلر را به‌عنوان سفیر جدید معرفی کرده بود. به دستور من کاردار سفارت ایران در واشنگتن گزارشی از سوابق آقای کاتلر تهیه کرد و فرستاد. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده از سوابق این فرد در آفریقا، به پیشنهاد من، دولت ایران موافقت خود را با اعزام او به‌عنوان سفیر آمریکا در ایران لغو کرد. البته من از سوابق سولیوان در لائوس و ویتنام هم باخبر بودم و اگر در زمان دولت موقت، او برای سفارت معرفی می‌شد، قطعا موافقت‌نمی‌شد.

عملکرد سـولیوان در سـفارت آمریکا در ایران را مثبت ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شـما اشتباهات او چه بود؟

همان‌طور که اشاره کردم او مدت کوتاهی بعد از انقلاب از ایران رفت. اما اگر منظور شما ارزیابی عملکرد او در تمام مدت ماموریتش در ایران، از زمان انتصاب تا زمان انقلاب و ترک ایران است، باید بگویم او هماهنگ با سیاست‌های راهبردی دولت آمریکا و پشتیبانی از شاه فعالیت می‌کرد کـه نمی‌تـوان آن را به‌نفع ایران، مثبـت ارزیابی کرد. در ماه‌های آخر قبل از انقلاب در زمان نخست‌وزیری بختیار به درخواست او «اریک فون ماربد»، نماینده وزارت دفاع آمریکا به ایران آمد و با کمک سـولیوان بسـیاری از قراردادهای خرید اسـلحه با ایران لغو شد. سولیوان در خاطرات خود می‌نویسد لغو این قرارداد میلیون‌هادلار به سود آمریکا بود. از جمله اینکه چون ایران این قراردادها را لغو کرده، جریمه لغو آن را پرداخته اسـت. در زمـان او بود که نرم‌افزارهای تعبیه‌شـده در هواپیماهـای اف-۱۴ را جـدا کردند و به آمریکا فرسـتادند. مهم‌ترین بخش هواپیماهای اف-۱۴ همین نرم‌افزارهای آن بود. در زمان او بود که وسایل بسیار حساس در پایگاه‌های شنود در بهشهر و کبکان را یا از ایران بردند یا تخریب کردند. در زمان او بود که آمریکایی‌هایی که ایران را ترک می‌کردند، ۷۵ صندوق وسایل بسیار مهم و محرمانه را می‌خواستند به‌عنوان وسایل شخصی از فرودگاه مهرآباد خارج کنند، تیمی که از طرف من به‌عنوان معاون نخسـت‌وزیر در امور انقلاب در فرودگاه مستقر شده بود، از ایـن کار جلوگیری کردند. اما باید همین‌جا اضافه کنم کـه او در گزارش‌های خود به وزارت امورخارجه آمریکا با صراحت و تحت هر شرایطی با سفر شاه به آمریکا مخالفت کرده بود و آن را به زیان روابط آمریکا با جمهوری اسلامی می‌دانست.

ماجـرای ورود ژنرال هایـزر - با توجه به مخالفت شـدید و تهدید به استعفای ژنرال هیگ (فرمانده کل ناتو) با این ماموریت- به ایران چه بود؟ آیا به این معنی بود که سـفیر (آقای سـولیوان) در کارش موفق عمل نکرده بود یا نشـانه اختلاف سولیوان با وزیر خارجه و برژینسکی‌بود؟

سولیوان و به‌طور کلی وزارت خارجه آمریکا با سیاست برژینسکی در ایران موافق نبوده‌اند. اما سفر هایزر به ایران در مرحله اول برای آماده‌کردن امرای ارتش به همکاری با بختیار بعد از خروج شاه از ایران بود. در مرحله دوم همراهی با انقلاب به‌منظور حفظ انسـجام ارتش برای برنامه‌های آینده بود، مشابه همان سناریویی که در فیلیپین اجرا شد. در مورد سفر هایزر به ایران در کتابم: «آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها» به تفصیل توضیح داده‌ام.

به نظر شـما چـرا دولـت آمریکا چندمـاه بعد از پیروزی انقلاب سـفیر خود را از ایران فراخواند؟ آیا به موضوع انقلاب ارتباط داشت یا احتمال تسخیر سفارت را می‌دادند؟

سولیوان سفیر آمریکا در دوره شاه بود. او نمی‌توانست سفیر مناسـبی برای دولت آمریکا در جمهوری اسلامی باشد. این یک رسم شناخته شـده در روابط دیپلماتیک اسـت که وقتی کل نظام حکومتی در یک کشـور عوض می‌شـود، کشـورهای قدرتمند سـفرای خـود را عوض می‌کنند و سفیران جدیدی می‌فرستند. سولیوان با سوابقی که داشت، نمی‌توانست سفیر خوبی برای آمریکا در ایران باشد.

ماجرای تسخیر سفارت آمریکا توسط چریک‌های فدایـی خلق (۲۵ بهمن ۵۷) و دخالت دولت موقت در این موضوع چه بود؟

حمله به سـفارت آمریکا در ۲۵ بهمن ۵۷ توسط یک گروه آمریکایی به مدیریت راس پرو، صاحب یک شرکت بـزرگ آمریکایی به نـام EDS، که مرکـز آن در دالاس تگزاس بود صـورت گرفت. این گروه با برخی از نهادهای قدرتمنـد در آمریـکا، از جمله سـیا، وزارت دفاع و لابی اسـراییل در ارتباط بود. این برنامـه را اجرا کردند تا مانع شناسـایی دولت جدید ایران توسط دولت آمریکا شوند. حدود سـاعت ۱۰صبح آن روز آقای مهندس بازرگان مرا به دفتر خود فراخواندند و از من خواستند به محل سفارت بروم و غایله را ختم کنم. در دیدار با امام خمینی ایشان نیز بر انجام این ماموریت تاکید کردند.

دخالـت دولت موقـت در موضوع تسـخیر اولیه سفارت به درخواست سفیر آمریکا بود یا به اراده خود دولت و امام انجام گرفت؟

همان‌طور که در بالا اشـاره کردم نظر مستقل دولت و رهبر انقلاب بود. در همان دیدار این مسـاله مطرح شد که این حمله به ضرر دولت جدید است و باید آن را خاتمه داد. در آن روز تلفن‌های سـفارت قطع شده بود و سفیر هم در محل سفارت گروگان گرفته شده بود. بنابراین برای سفیر آمریکا امکان نداشت با دولت تماس بگیرد و درخواستی کند.

ادامه از صفحه اول

نیاز متقابل ایران و انگلستان

ایـران کشـور مهمی اسـت؛ ایـران در جایگاه ژئوپلیتیکی مهمی واقع شـده؛ ایران کشور ثروتمند نسبی است با بازار ۷۵میلیون‌نفری؛ ایران روی دریایی از نفت و گاز قرار گرفته و بالاخره و شـاید مهم‌تر از همه اینها، بدون ایـران، هیچ‌یک از معضلات جدی غرب در منطقه خلیج‌فارس و در سطحی بزرگ‌تر در خاورمیانه، قابل حل‌وفصل نیسـت. دو، سه ماه دیگر ما وارد سـال ۲۰۱۴ می‌شویم؛ سالی که ناتو پس از یک‌دهه حضور کامل در افغانستان، باید از آن کشور خارج شـود. این در حالی اسـت که اگر امروز ناتو از افغانستان خارج شود، خیلی طول نخواهد کشید که کابل مجددا تحت نفوذ و سـیطره کامل طالبان قرار خواهد گرفـت. آیا بدون همکاری ایران، امکان صلح و توافق بلندمدت در افغانسـتان وجود دارد؟ مشابه همین وضعیت در عراق حاکم است. هر راه‌حلی برای آینده عراق در گرو مشارکت و پشتیبانی جدی ایران اسـت. ایضا در سـوریه و لبنان بدون ایران نمی‌توان خیلی جدی به‌دنبال مصالحه و راه‌حل واقع‌بینانه‌ای بود. تفاوت مهم انگلستان و آمریکا در این نکته ظریف اسـت که تجربه، پختگی و بیش از سه قرن حضور بریتانیا در شبه‌قاره هند و خلیج‌فارس به لندن آموخته که صرف‌نظر از آنکه انگلیسـی‌ها نسـبت به ایران و ایرانی‌ها چه احساس و نظری داشته باشند، در عالم واقعیات مجبور هستند تا ایران را «سوار قطار» کنند. انگلیسی‌ها برخلاف آمریکایی‌ها، آنقدر پخته و سیاسی هستند که بدانند مجبورند با ایران رابطه داشته باشند و بدون آن، یـک پایه اصلی چارپایه حضور غرب در خاورمیانـه و خلیج‌فارس، معلـق می‌ماند. مجموعه ملاحظات سبب شده تا برخلاف آمریکایی‌ها، لندن هیچ اصراری به قطع رابطه با تهران نداشته باشد و این ایران بوده که بیشـتر به قطع رابطه نظر داشته و هم حرکاتی انجام داده یا مواضعی اتخاذ کرده که لاجرم لندن را به واکنش منفی وادار کرده است.

اما و برخلاف تصور بسیاری از تندروها، ایران هم اتفاقا بی‌نیاز از داشتن رابطه با انگلستان نیست. حجم مراودات اقتصادی، صنعتی و تجاری با انگلستان همواره برای ایران مهم بوده اسـت. درست است که آلمان، ژاپن و بعدها هم کره‌جنوبی و امروز هم ترکیه، هند و چین توانسته‌اند پا جای پای انگلستان به‌عنوان شریک تجاری ایران بگذارند اما در صنایع زیربنایی، نفت، گاز و پتروشیمی همچنان انگلسـتان از یک موقعیت و جایگاه ویژه‌ای در ایران برخوردار است. فراموش نکنیم که پایه‌گذار صنعت نفت در ایران، انگلیسی‌ها بودند. اما اقتصاد و تجارت را به هرحال می‌شود و می‌توان به کمک دیگران - اگرچه نه به‌صورت کامل - تا حدود زیادی جبران کرد اما تجربه ۳۴ سال گذشته به خیلی از مسوولان ایران که تصور می‌کردند یا می‌کنند که با یک تصمیم و اراده، باید با «شیر پیر استعمار» قطع رابطه کرد، یاد داده که نه می‌توان و نه می‌شود با لندن رابطه نداشـت و نه این قطع رابطه، به خیر و صلاح منافع ملی ایران اسـت. البته از نظر ژست سیاسی، حرکت قشنگی است اما این حرکت به ظاهر انقلابی، هزینه‌هایـی بر منافع ملی‌مان تحمیل خواهد کرد و اساسا قطع رابطه با انگلستان، بخش‌هایی از سیاست خارجی ما را با کاسـتی‌هایی مواجه می‌کند که این مساله پس از ماجرای حمله به سفارت این کشور در دولت دهم خود را نشان داد و مسوولان ارشد دولت و حتی برخی روحانیون، درباره اشتباه بودن آن حرکت سخن گفتند.

اولین و مهم‌ترین تاثیـر قطع رابطه، در عمیق‌تر شـدن دشـمنی با آمریکا، خودش را ظاهر می‌کند در حالی‌که داشـتن رابطه، به نوعـی به مثابه ترمز در کاهش تنش میـان ایران و آمریکا عمل می‌کند. مشـابه همین وضعیت در رابطه با اتحادیـه اروپا و قدرت‌هـای مهم اروپایـی وجود دارد. کـم نبوده و نیسـتند سیاسـیون ایرانی که فکر می‌کنند خیلی زرنگ هسـتند و از عنصر رقابت میـان قدرت‌های اروپایی می‌خواهند استفاده کنند و با نزدیک‌تر کردن ایران به مثلا آلمان یا فرانسه، جبران رابطه با انگلستان را بکننـد. اما تجربه دو دهه اخیر بارها و بارها بطلان این تفکر نادرست را به نمایش گذارده است. دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم، بخواهیم یا نخواهیم، واقعیت آن اسـت که نمی‌شود با فرانسه دشمن بود و در مقابل، خودمان را به آلمان یا انگلسـتان نزدیک کنیم. این حالت برای رابطه دو کشـور دیگر یا سایر کشورهای اروپایی هم قابل تصور است. واقعیت تلخ – تلخ از نظر ما - آن اسـت که تیرگی روابط با یک قدرت اروپایی، معادل تیرگی روابط با مابقی اتحادیه اروپاست. شبیه همین وضعیت در رابطه با همسایگان عرب در حوزه خلیج‌فارس وجود دارد. بنا بر یک رشته دلایل تاریخی، نوعی پیوند یا رابطه عمیق استراتژیک میان انگلستان با کشورهای حوزه خلیج‌فارس وجود دارد. همچنان که در ایران پیش از انقلاب هم اینگونه بود. بسـیاری از امور نظامی، دفاعی، امنیتی، تجاری و غیـره در عربسـتان، کویت، قطر و امـارات امروزه همچنان با انگلیسی‌هاست. فکر اینکه ما با این کشور رابطه نداشته باشیم و همچنان بتوانیم رابطه مطلوبی با همسـایگان عربمان در خلیج‌فارس داشته باشیم همان‌قدر باطل اسـت که در مورد اروپا و آمریکا بود. به این فهرست می‌توان حتی استرالیا، کانادا و برخی کشورهای دیگر را نیز اضافه کرد.

ختم کلام آنکه، جدای از انگلستان، داشتن رابطه با این کشور برای ما، «کلید» داشتن یک رابطه حداقلی با ایالات‌متحده، اروپا و همسایگان عرب است. بدون داشتن رابطه با لندن، نمی‌توان با اروپا و همسایگان عربمان هم رابطه داشته باشیم. بماند آمریکا، استرالیا، کانادا و بسیاری از کشورهای دیگر!